



# نامه اتاق سمنان

هفته نامه اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی استان سمنان

دوره جدید شماره ۸ هفته چهارم شهریور ماه ۱۴۰۵

## بررسی مهم ترین موانع پیش روی صادرکنندگان استان سمنان

راهکارها، ظرفیت ها و فرصت های توسعه تجارت خارجی



۲

نرخ ارز و قیمت گذاری؛  
تولید کننده چگونه  
برای آینده قیمت گذاری کند؟



۱

هزینه امروز؛  
ظرفیت فردا

از انرژی و مواد اولیه تا زیرساخت های صادرات



رئیس اتاق بازرگانی سمنان :

## حفظ بنگاه‌های اقتصادی، صیانت از تولید و اشتغال است



معماری با تأکید بر تعهد فعالان اقتصادی نسبت به پرداخت حق بیمه و سایر تعهدات قانونی افزود: بخش خصوصی خود را متعهد به انجام تعهدات قانونی می‌داند، اما در کنار آن باید شرایط واقعی فعالیت بنگاه‌ها، وضعیت نقدینگی و زمان‌بندی وصول مطالبات نیز مورد توجه قرار گیرد.

وی یکی از چالش‌های جدی بنگاه‌ها را فاصله میان زمان فروش محصول و وصول مطالبات عنوان کرد و گفت: در بسیاری از موارد، محصول به فروش می‌رسد اما وصول وجه آن چند ماه زمان می‌برد؛ در حالی که بنگاه در همین فاصله باید حقوق کارکنان، هزینه‌های تولید، مالیات، حق بیمه و سایر تعهدات خود را پرداخت کند. این فاصله زمانی فشار قابل توجهی بر نقدینگی واحدهای اقتصادی وارد می‌کند.

رئیس اتاق بازرگانی سمنان خواستار توجه سازمان تأمین اجتماعی به شرایط نقدینگی بنگاه‌ها شد و گفت: انتظار داریم در سیاست‌گذاری‌ها و نحوه تعامل با واحدهای تولیدی، واقعیت‌های اقتصادی بنگاه‌ها و زمان وصول مطالبات مورد توجه قرار گیرد تا فشار مضاعفی بر تولیدکنندگان وارد نشود.

معماری همچنین اصلاح نظام حکمرانی تأمین اجتماعی را یکی از موضوعات مهم مطرح شده در این نشست عنوان کرد و افزود: در این زمینه مباحث کارشناسی و پیشنهادهایی مطرح شد و مقرر است در جلسات آتی، جزئیات موضوع با دقت بیشتری بررسی و راهکارهای اجرایی آن مورد گفت‌وگو قرار گیرد.

وی در پایان تأکید کرد: سازمان تأمین اجتماعی و بخش خصوصی نباید در مقابل یکدیگر تعریف شوند، بلکه هر دو طرف باید در مسیر مشترک حفظ اشتغال، استمرار فعالیت بنگاه‌ها، تقویت تولید و ایجاد ثبات و پایداری اقتصادی حرکت کنند. شکل‌گیری رابطه‌ای مبتنی بر اعتماد، گفت‌وگو و درک متقابل میان سازمان تأمین اجتماعی و بخش خصوصی، می‌تواند منافع کارگران، کارفرمایان، سازمان و در نهایت اقتصاد کشور را تأمین کند.

رئیس اتاق بازرگانی سمنان با تأکید بر ضرورت حمایت از بنگاه‌های اقتصادی در شرایط دشوار کنونی گفت: بسیاری از واحدهای اقتصادی با ظرفیتی پایین‌تر از نقطه سر به سر فعالیت می‌کنند، اما فعالان اقتصادی با وجود فشارهای متعدد، برای حفظ تولید و اشتغال همچنان به فعالیت خود ادامه می‌دهند.

به گزارش روابط عمومی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی استان سمنان، فرج‌الله معماری در حاشیه نشست با سرپرست سازمان تأمین اجتماعی، با اشاره به فشارهای اقتصادی وارد شده بر بنگاه‌ها اظهار کرد: امروز بیش از هر زمان دیگری باید به ظرفیت و توان بخش خصوصی برای جذب و مدیریت شوک‌های اقتصادی توجه شود؛ چراکه آثار این شوک‌ها علاوه بر بنگاه‌ها، به خانوارها و نیروی کار نیز منتقل می‌شود.

وی افزود: هر بنگاه اقتصادی ظرفیت مشخصی برای تحمل فشارهای اقتصادی دارد و در شرایط کنونی، تحریم‌ها، جنگ، افزایش هزینه کالاها و خدمات و به‌ویژه رشد هزینه‌های انرژی، محدودیت‌های قابل توجهی برای فعالیت واحدهای تولیدی و اقتصادی ایجاد کرده است.

رئیس اتاق بازرگانی سمنان ادامه داد: بسیاری از بنگاه‌ها در حال حاضر با ظرفیت کامل تولید فعالیت نمی‌کنند و برخی حتی در شرایطی پایین‌تر از نقطه سر به سر به فعالیت خود ادامه می‌دهند؛ با این حال، فعالان اقتصادی تلاش دارند چراغ واحدهای خود را روشن نگه دارند و از کاهش تولید و از دست رفتن اشتغال جلوگیری کنند.

معماری تصریح کرد: حفظ هر بنگاه اقتصادی، به معنای صیانت از تولید و اشتغال است. فعالان اقتصادی حتی در شرایطی که سودآوری بنگاه کاهش یافته یا فعالیت اقتصادی با دشواری همراه است، تلاش می‌کنند نیروی انسانی خود را حفظ کرده و فعالیت مجموعه را استمرار دهند.

وی با تأکید بر ضرورت پرهیز از تحمیل فشارهای مضاعف بر بنگاه‌ها گفت: در شرایطی که واحدهای اقتصادی با مشکلات متعدد دست‌وپنجه نرم می‌کنند، تصمیمات و اقدامات دستگاه‌های اجرایی باید با درک شرایط واقعی بنگاه‌ها اتخاذ شود؛ چراکه افزایش فشارهای مالی و اداری می‌تواند توان بنگاه‌ها برای ادامه فعالیت را کاهش دهد.

رئیس اتاق بازرگانی سمنان همچنین رویکرد مطرح شده از سوی دکتر محمدی، سرپرست سازمان تأمین اجتماعی را امیدوارکننده دانست و اظهار کرد: ادبیات و نگاه جدیدی که در این نشست از سوی مدیریت سازمان تأمین اجتماعی مطرح شد، می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری تعامل سازنده‌تر میان این سازمان و بخش خصوصی باشد و امیدواریم این رویکرد در سطوح ملی و استانی نیز دنبال و نهادینه شود.



فرج الله معماری  
فعال اقتصادی



## روایت یک هفته

نگاهی به واقعیت‌های اقتصاد؛ برای فردایی پایدارتر

اقتصاد؛  
با اندیشه و وطن،  
آینده‌ای ماندنی‌تر است.



شنبه ۲۱ شهریور

### هزینه امروز؛ ظرفیت فردا

هزینه‌های تحصیل‌شده به تولید الزاماً در صورت مالی همان دوره متوقف نمی‌ماند؛ اگر از ظرفیت جذب بنگاه فراتر رود، می‌تواند هزینه امروز را به کاهش ظرفیت تولید فردا تبدیل کند.

در اقتصاد درگیر ناترازی بودجه و انرژی، محدودیت‌های تجارت خارجی و تأمین مالی، تحریم، تورم مزمن و رکود، مسئله زمانی جدی‌تر می‌شود که قیمت کالاها و خدمات دولتی، تحت عنوان اصلاح ساختار، با جهش‌های فراتر از ظرفیت تعدیل بنگاه و بدون ارزیابی امکان جانشینی نهاده و انتقال هزینه به قیمت محصول افزایش یابد. در این شرایط، اصلاح قیمت می‌تواند پیش از آنکه به اصلاح ساختار بینجامد، جریان نقد عملیاتی و سرمایه در گردش را با محدود و منابع بنگاه را از نوسازی، فناوری و سرمایه‌گذاری به نیازهای جاری منتقل کند.

پایدم، صرفاً افت تولید نیست؛ کاهش تشکیل سرمایه، افزایش استهلاک مؤثر، فرسایش سرمایه انسانی و تضعیف ظرفیت تولید بالقوه است؛ مسیری که فشار جاری را به محدودیت ساختاری عرضه در آینده تبدیل می‌کند.

از این رو، میان حمایت از بنگاه ناکارا و سیات از ظرفیت مولد باید تمایز گذاشت؛ اولی ناکارآمدی را ماندگار می‌کند، اما دومی از بنیان تولید، تشکیل سرمایه و توان رشد آینده اقتصاد سیات می‌کند.

سیات از ظرفیت مولد، تعلیق اصلاحات نیست؛ حفظ توان اقتصاد برای اصلاحات پایدار است.

سیات از ظرفیت مولد، تعلیق اصلاحات نیست؛ حفظ توان اقتصاد برای اصلاحات پایدار است.



سه‌شنبه ۲۴ شهریور

### اصلاح حساب؛ اصلاح ظرفیت

در سیاست‌گذاری اقتصادی، هر بهبود عددی الزاماً به معنایی بهبود عملکرد اقتصاد نیست؛ زیرا نتیجه اصلاح، فقط به تراز اصلاح‌شده بستگی ندارد، بلکه به چگونگی تأمین هزینه آن نیز وابسته است، از این منظر می‌توان میان «اصلاح حساب» و «اصلاح ظرفیت» تمایز گذاشت.

«اصلاح حساب»، تراز مالی، بودجه‌ای یا بخشی را از مسیر افزایش درآمد، کاهش هزینه، اصلاح قیمت یا تعدیل ناترازی بهبود می‌دهد؛ اما «اصلاح ظرفیت»، توان تولید بالقوه اقتصاد را از مسیر سرمایه‌گذاری، بهره‌وری، فناوری، سرمایه انسانی و دسترسی به بازار جهانی افزایش می‌دهد.

این دو زمانی مکمل‌اند که بهبود یک تراز، ظرفیت دیگری را تضعیف نکند. اگر بهبود تراز مالی دولت یا نهاد عمومی با افزایش هزینه بنگاه‌ها همراه شود، می‌تواند سرمایه در گردش، سرمایه‌گذاری و ظرفیت تولید آن را محدود کند؛ و فراگیری این اثر، تشکیل سرمایه و ظرفیت تولید اقتصاد ملی را تحت فشار قرار دهد.

بنابراین، معیار اصلاح فقط بهبود یک شاخص مالی نیست؛ اثر نهایی آن بر ظرفیت اقتصاد نیز باید سنجیده شود.

ناترازی یا انتقال هزینه آن از دولت به تولید اصلاح نمی‌شود؛ فقط صورت‌حساب از یک بخش اقتصاد به بخش دیگر منتقل می‌شود.

اصلاح پایدار، میان تعادل مالی امروز و ظرفیت تولید فردا، یکی را قربانی دیگری نمی‌کند.

ناترازی یا انتقال هزینه آن از دولت به تولید اصلاح نمی‌شود؛ فقط صورت‌حساب از یک بخش اقتصاد به بخش دیگر منتقل می‌شود.



یکشنبه ۲۲ شهریور

### تصمیم بخشی؛ هزینه تجمعی

در سیاست‌گذاری اقتصادی، هر دستگاه تصمیم خود را در چارچوب مأموریت و تراز بخشی ارزیابی می‌کند؛ اما در بنگاه، سیاست‌های بخشی به فشارهای متقابل و تجمعی تبدیل می‌شوند.

افزایش قیمت انرژی برای اصلاح ناترازی، مالیات برای تأمین بودجه، حق بیمه برای پایداری صندوق‌ها، نرخ سود برای اهداف پولی و محدودیت ارزی برای مدیریت منابع، هر کدام ممکن است در منطق بخشی قابل دفاع باشند؛ مسئله از جایی آغاز می‌شود که انحصار این تصمیم‌ها هم‌زمان بر هزینه، نقدینگی و ظرفیت مالی یک بنگاه انباشته و با یکدیگر تشدید می‌شوند.

از این رو، ارزیابی منفرد سیاست‌ها کفایت نمی‌کند؛ باید اثر متقابل و تجمعی تصمیمات بر به‌سای تمام‌شده، جریان نقد، سرمایه در گردش، حاشیه عملیاتی، نقطه سر به سر، سرمایه‌گذاری و اشتغال سنجیده شود.

ممکن است هر دستگاه تراز بخشی خود را بهبود دهد، اما برآیند سیاست‌ها، ترازنامه و ظرفیت تولید بنگاه را تضعیف کند؛ و انباشت و فراگیری این فشار در سطح بنگاه‌ها، به کاهش سرمایه‌گذاری، اشتغال و تولید ملی منجر شود.

بنگاه اقتصادی، یک وزارتخانه را تجربه نمی‌کند؛ حاصل حکمرانی اقتصادی را تجربه می‌کند.

کیفیت سیاست‌گذاری فقط در درستی هر تصمیم نیست؛ در سازگاری برآیند تصمیم‌ها با ظرفیت بنگاه و اقتصاد ملی نیز هست.

بنگاه اقتصادی، یک وزارتخانه را تجربه نمی‌کند؛ حاصل حکمرانی اقتصادی را تجربه می‌کند.



چهارشنبه ۲۵ شهریور

### اصلاح شیوه اصلاح

اقتصاد ایران به اصلاحات ساختاری نیاز دارد؛ اما تعیین هدف درست، به تنهایی موفقیت اصلاحات را تضمین نمی‌کند؛ توانایی و زمان‌بندی سیاست‌ها، توان اقتصاد برای سازگاری و نحوه توزیع هزینه‌های اصلاح نیز در نتیجه آن تعیین‌کننده‌اند.

اصلاح قیمت‌های نسبی، کاهش ناترازی‌ها و تخصیص کاراتر منابع زمانی به بهبود پایدار اقتصاد منجر می‌شود که خود، ناترازی تازه‌ای در تولید، سرمایه‌گذاری و اشتغال ایجاد نکند. بنابراین، هیچ ناترازی را نمی‌توان مستقل از آثار متضیق، غیرمتضیق و تجمعی سیاست‌های اصلاحی ارزیابی کرد.

بر همین مبنا، مسئله فقط انتخاب موضوع اصلاح نیست؛ ترتیب، سرعت و شیوه اجرای اصلاحات نیز اهمیت دارد. باید سنجید کدام اصلاح تقدم دارد، هزینه‌های آن چگونه توزیع و اقتصاد تا چه اندازه امکان سازگاری با آن را دارد.

اصلاح ساختاری، فقط تعدیل قیمت‌های نسبی متناسب با شرایط عرضه، تقاضا و هزینه تأمین نیست؛ باید هم‌زمان ظرفیت اقتصاد برای سرمایه‌گذاری، افزایش بهره‌وری و رشد را نیز تقویت کند. از این رو، کیفیت اصلاح را باید در آثار امروز و ظرفیت‌های فردای اقتصاد سنجید.

مسئله اقتصاد ایران دیگر فقط اصلاح ناترازی‌ها نیست؛ اصلاح شیوه اصلاح ناترازی‌هاست.

مسئله اقتصاد ایران دیگر فقط اصلاح ناترازی‌ها نیست؛ اصلاح شیوه اصلاح ناترازی‌هاست.



دوشنبه ۲۳ شهریور

### اول ظرفیت؛ بعد هزینه

اصلاحات اقتصادی از حیث آثار کوتاه‌مدت یکسان نیستند؛ برخی هزینه فعالیت را افزایش می‌دهند و برخی، ظرفیت بنگاه و اقتصاد برای سازگاری با اصلاحات را تقویت می‌کنند. تقدم و تسوایی این دو، بخشی از کیفیت سیاست‌گذاری است.

کاهش بوروکراسی، ثبات مقررات، تسهیل تجارت، دسترسی به سرمایه در گردش، رفع موانع سرمایه‌گذاری، نوسازی فضاوری، توسعه بازارهای صادراتی و گسترش روابط مالی بین‌المللی، از جمله اصلاحات ظرفیت‌ساز هستند که توان تولید، سرمایه‌گذاری و سازگاری بنگاه را افزایش می‌دهند.

اگر اصلاح قیمت انرژی فراتر از رفتار تولیدکننده را تغییر دهد، باید امکان اقتصادی تغییر رفتار نیز فراهم باشد. نمی‌توان بهره‌وری بیشتر محاسبه کرد، اما دسترسی بنگاه به سرمایه، فناوری، بازارهای جهانی، تأمین مالی بین‌المللی و افق پیش‌بینی‌پذیر سیاستی را محدود گذاشت.

اصلاح فقط انرژی فراتر از آن چیزی نیست که ارزان مانده است؛ ارزان کردن آن چیزی هم هست که ناکارآمدی برای اقتصاد گران کرده است.

این نگاه، ترویج اصلاحات نیست؛ تقدم اصلاحات ظرفیت‌ساز برای کاهش هزینه گذار و افزایش اثربخشی اصلاحات است.

اقتصادی که ظرفیت سازگاری خود را تقویت کند، اصلاحات را پایدارتر و با امکان بیشتری برای رشد، بهره‌وری و سرمایه‌گذاری پیش می‌برد.

اصلاح فقط کفایت کردن آن چیزی نیست که ارزان مانده است؛ ارزش کردن آن چیزی هم هست که ناکارآمدی برای اقتصاد گران کرده است.

اصلاح فقط کفایت کردن آن چیزی نیست که ارزان مانده است؛ ارزش کردن آن چیزی هم هست که ناکارآمدی برای اقتصاد گران کرده است.



باشگاه اندیشه اقتصاد ایران  
www.ietclub.ir

محمود خاکپور  
عضو هیئت نمایندگان اتاق سمنان

## نرخ ارز و قیمت گذاری؛ تولید کننده چگونه برای آینده قیمت گذاری کند؟

خریداری کرده و اکنون همان مواد را در اختیار دارد. اگر نرخ ارز افزایش پیدا کند، ممکن است قیمت روز مواد اولیه نیز افزایش یابد. در ظاهر، تولید کننده هنوز همان مواد ارزان قیمت قبلی را در انبار دارد و اگر محصول را براساس قیمت خرید گذشته محاسبه کند، ممکن است سود مناسبی به دست آورد؛ اما زمانی که موجودی انبار تمام شود و بخواهد همان مواد را با قیمت جدید جایگزین کند، به سرمایه بیشتری نیاز خواهد داشت. بنابراین سودی که در حساب های بنگاه دیده می شود، لزوماً به معنای افزایش واقعی توان مالی آن نیست. در اقتصادهای تورمی و پرنوسان، توجه به هزینه جایگزینی برای ادامه فعالیت بنگاه اهمیت زیادی دارد.

از سوی دیگر، تولید کننده نمی تواند هر افزایش احتمالی در هزینه را بدون توجه به بازار به قیمت محصول منتقل کند. بازار نیز محدودیت های خود را دارد. قدرت خرید مشتری، رقابت میان تولید کنندگان، وجود کالاهای جایگزین، واردات و میزان تقاضا تعیین می کنند که یک بنگاه تا چه اندازه می تواند افزایش هزینه های خود را به قیمت نهایی منتقل کند. بنابراین تولید کننده میان دو ریسک قرار می گیرد: اگر قیمت را پایین تر از هزینه واقعی و آینده تعیین کند، حاشیه سود او کاهش می یابد؛ و اگر برای پوشش تمام ریسک های آینده قیمت را بیش از حد افزایش دهد، ممکن است بخشی از بازار و مشتریان خود را از دست بدهد. قیمت گذاری حرفه ای دقیقاً در همین نقطه معنا پیدا می کند؛ یعنی ایجاد تعادل میان هزینه واقعی تولید و توان پذیرش بازار.

یکی از خطاهای رایج در چنین شرایطی، تلاش برای پیش بینی قطعی نرخ ارز است. اینکه تولید کننده بخواهد بر اساس یک حدس، نرخ ارز سه یا شش ماه آینده را تعیین کند و تمام قیمت گذاری خود را بر همان اساس انجام دهد، تصمیمی پرریسک است. رویکرد منطقی تر، استفاده از سناریوهای مختلف است. به جای اینکه بگوید نرخ ارز در آینده حتماً به یک عدد مشخص خواهد رسید، بهتر است محاسبه کند اگر نرخ ارز ۱۰، ۲۰ یا ۳۰ درصد افزایش یا کاهش پیدا کرد، چه اثری بر قیمت مواد اولیه، هزینه تولید، سرمایه در گردش و حاشیه سود خواهد داشت. در این صورت، تولید کننده به جای پیش بینی آینده، خود را برای آینده های مختلف آماده می کند.

این مسئله در قراردادهای بلندمدت اهمیت بیشتری دارد. قراردادهایی که قیمت آنها برای چند ماه ثابت می ماند، در محیطی با هزینه های متغیر می توانند ریسک قابل توجهی برای تولید کننده ایجاد کنند. یکی از راهکارهای قابل بررسی، استفاده از سازوکار

در اقتصاد تولید، قیمت گذاری باید نتیجه یک محاسبه دقیق باشد؛ محاسبه ای که از هزینه مواد اولیه، انرژی، دستمزد، حمل و نقل و سرمایه در گردش آغاز می شود و در نهایت به قیمت فروش می رسد. اما در اقتصادی که نرخ ارز با نوسان همراه است، این محاسبه دیگر یک فرمول ساده و ثابت نیست. تولید کننده امروز



مواد اولیه خریداری می کند، امروز تولید را انجام می دهد، اما ممکن است محصول خود را هفته ها یا حتی ماه ها بعد بفروشد؛ در حالی که در فاصله میان خرید مواد اولیه تا فروش محصول، نرخ ارز و به تبع آن هزینه بسیاری از نهادهای تولید تغییر کرده باشد. همین فاصله زمانی، یکی از مهم ترین چالش های قیمت گذاری در بنگاه های تولیدی است.

نرخ ارز در بسیاری از صنایع فقط یک عدد در بازار مبادلات نیست؛ بلکه متغیری است که می تواند از مسیرهای مختلف وارد ساختار هزینه تولید شود. ممکن است یک تولید کننده بخش عمده مواد اولیه خود را از بازار داخلی تهیه کند، اما همان مواد اولیه توسط تولید کننده دیگری ساخته شده باشد که بخشی از تجهیزات، قطعات، مواد افزودنی یا نهادهای خود را با ارز تأمین می کند. به همین دلیل، حتی محصولی که در ظاهر کاملاً داخلی است، ممکن است در بخش هایی از زنجیره تأمین خود به نرخ ارز وابسته باشد. این وابستگی در صنایعی مانند نساجی، گونی بافی، صنایع شیمیایی، قطعه سازی و بسیاری از صنایع پایین دستی پتروشیمی آشکار تر است. در چنین شرایطی، مسئله اصلی برای تولید کننده فقط افزایش نرخ ارز نیست؛ بلکه ناتوانی در پیش بینی هزینه آینده است. تولید کننده برای عقد قرارداد، تعیین قیمت فروش و برنامه ریزی تولید نیاز دارد بدانند هزینه مواد اولیه خود در ماه های آینده چه میزان خواهد بود. اگر این هزینه قابل پیش بینی نباشد، هر قرارداد بلندمدت می تواند به یک ریسک تبدیل شود. ممکن است کارخانه امروز محصولی را با قیمت مشخص بفروشد، اما زمانی که موعد تولید یا تحویل آن فرا برسد، قیمت مواد اولیه افزایش یافته باشد و حاشیه سود پیش بینی شده از بین رفته باشد.

در اینجا مفهوم «هزینه جایگزینی» اهمیت پیدا می کند. فرض کنیم یک واحد تولیدی مواد اولیه خود را چند ماه قبل با قیمت پایین تری



## نرخ ارز و قیمت گذاری؛ تولید کننده چگونه برای آینده قیمت گذاری کند؟

تعدیل قیمت در قراردادهاست؛ به این معنا که بخشی از قیمت محصول ثابت باشد و بخش دیگری براساس تغییرات شاخص های مشخصی مانند قیمت مواد اولیه، نرخ ارز یا سایر نهاده های اصلی اصلاح شود. چنین سازوکاری می تواند از تبدیل اختلاف قیمت به اختلاف میان خریدار و فروشنده جلوگیری کند و به جای مذاکره مجدد، یک فرمول از پیش تعیین شده برای تعدیل قیمت ایجاد کند.

البته افزایش نرخ ارز به این معنا نیست که قیمت محصول نیز باید به همان نسبت افزایش پیدا کند. همه اجزای قیمت تمام شده ارزی نیستند. بخشی از دستمزد، انرژی، اجاره، خدمات و سایر هزینه های داخلی ممکن است ارتباط مستقیمی با نرخ ارز نداشته باشند. بنابراین تولید کننده باید ابتدا مشخص کند چه میزان از هزینه تمام شده محصول مستقیماً یا غیرمستقیماً به ارز وابسته است. محصولی که بخش بزرگی از نهاده های آن وارداتی یا وابسته به قیمت های جهانی است، طبیعتاً حساسیت بیشتری نسبت به نرخ ارز دارد؛ اما در محصولی که سهم نهاده های ارزی پایین تر است، افزایش نرخ ارز نباید به صورت کامل به قیمت نهایی منتقل شود.

نوسان ارز همچنین مسئله سرمایه در گردش را تشدید می کند. وقتی قیمت مواد اولیه افزایش می یابد، تولید کننده برای خرید همان مقدار ماده اولیه به نقدینگی بیشتری نیاز دارد. در نتیجه، حتی اگر حجم تولید ثابت بماند، سرمایه مورد نیاز برای ادامه فعالیت افزایش پیدا می کند. اگر این نیاز از طریق منابع داخلی تأمین نشود، بنگاه ناچار به استفاده از تسهیلات بانکی یا سایر روش های تأمین مالی خواهد شد و هزینه پول نیز به قیمت تمام شده اضافه می شود. به این ترتیب، نرخ ارز می تواند از یک مسیر زنجیره ای بر تولید اثر بگذارد: افزایش نرخ ارز، افزایش قیمت نهاده، افزایش سرمایه در گردش مورد نیاز، افزایش هزینه تأمین مالی و در نهایت افزایش قیمت تمام شده.

برای صادر کننده، این مسئله ابعاد دیگری نیز دارد. افزایش نرخ ارز ممکن است ارزش ریالی در آمد صادراتی را افزایش دهد، اما هم زمان قیمت مواد اولیه، قطعات، تجهیزات و برخی هزینه های حمل و نقل نیز افزایش پیدا می کند. بنابراین نمی توان صرفاً از افزایش نرخ ارز به عنوان یک مزیت صادراتی یاد کرد. آنچه اهمیت دارد، تفاوت میان سرعت رشد در آمد ارزی و سرعت افزایش هزینه های وابسته به ارز است. اگر هزینه های تولید با سرعتی بیشتر از در آمد صادراتی رشد کنند، قدرت رقابتی صادر کننده نیز می تواند کاهش یابد.



تعدیل قیمت در قراردادهاست؛ به این معنا که بخشی از قیمت محصول ثابت باشد و بخش دیگری براساس تغییرات شاخص های مشخصی مانند قیمت مواد اولیه، نرخ ارز یا سایر نهاده های اصلی اصلاح شود. چنین سازوکاری می تواند از تبدیل اختلاف قیمت به اختلاف میان خریدار و فروشنده جلوگیری کند و به جای مذاکره مجدد، یک فرمول از پیش تعیین شده برای تعدیل قیمت ایجاد کند.

البته افزایش نرخ ارز به این معنا نیست که قیمت محصول نیز باید به همان نسبت افزایش پیدا کند. همه اجزای قیمت تمام شده ارزی نیستند. بخشی از دستمزد، انرژی، اجاره، خدمات و سایر هزینه های داخلی ممکن است ارتباط مستقیمی با نرخ ارز نداشته باشند. بنابراین تولید کننده باید ابتدا مشخص کند چه میزان از هزینه تمام شده محصول مستقیماً یا غیرمستقیماً به ارز وابسته است. محصولی که بخش بزرگی از نهاده های آن وارداتی یا وابسته به قیمت های جهانی است، طبیعتاً حساسیت بیشتری نسبت به نرخ ارز دارد؛ اما در محصولی که سهم نهاده های ارزی پایین تر است، افزایش نرخ ارز نباید به صورت کامل به قیمت نهایی منتقل شود.

نوسان ارز همچنین مسئله سرمایه در گردش را تشدید می کند. وقتی قیمت مواد اولیه افزایش می یابد، تولید کننده برای خرید همان مقدار ماده اولیه به نقدینگی بیشتری نیاز دارد. در نتیجه، حتی اگر حجم تولید ثابت بماند، سرمایه مورد نیاز برای ادامه فعالیت افزایش پیدا می کند. اگر این نیاز از طریق منابع داخلی تأمین نشود، بنگاه ناچار به استفاده از تسهیلات بانکی یا سایر روش های تأمین مالی خواهد شد و هزینه پول نیز به قیمت تمام شده اضافه می شود. به این ترتیب، نرخ ارز می تواند از یک مسیر زنجیره ای بر تولید اثر بگذارد: افزایش نرخ ارز، افزایش قیمت نهاده، افزایش سرمایه در گردش مورد نیاز، افزایش هزینه تأمین مالی و در نهایت افزایش قیمت تمام شده.

برای صادر کننده، این مسئله ابعاد دیگری نیز دارد. افزایش نرخ ارز ممکن است ارزش ریالی در آمد صادراتی را افزایش دهد، اما هم زمان

## برگزاری کارگاه «مهارت‌های کارآفرینی و مدیریت کسب‌وکار»

### در اتاق بازرگانی سمنان



کارگاه آموزشی «مهارت‌های کارآفرینی و مدیریت کسب‌وکار» با تدریس **\*\*دکتر عبدالله قاسمی\*\*** و حضور علاقه‌مندان و فعالان اقتصادی، به صورت حضوری و مجازی در اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی استان سمنان برگزار شد.



در بخش عملی این دوره، شرکت‌کنندگان با استفاده از **\*\*بوم مدل کسب‌وکار\*\***، یک کسب‌وکار واقعی را در ۹ بخش شامل مشتریان، ارزش پیشنهادی، کانال‌ها، ارتباط با مشتری، جریان درآمد، منابع و فعالیت‌های کلیدی، شرکای کلیدی و ساختار هزینه ترسیم کردند.

در ادامه، مفهوم **\*\*اعتبارسنجی فرضیات کسب‌وکار\*\*** نیز مطرح شد و شرکت‌کنندگان آموختند پیش از توسعه یک ایده، میزان وجود مسئله در بازار، تمایل مشتری به پرداخت، قابلیت اجرای ارزش پیشنهادی و منطق اقتصادی کسب‌وکار را مورد آزمون قرار دهند.

این کارگاه با رویکردی کاربردی و با هدف **\*\*ارتقای مهارت‌های کارآفرینی، توانمندسازی فعالان اقتصادی و آشنایی با ابزارهای نوین مدیریت و توسعه کسب‌وکار\*\*** برگزار شد.

در این کارگاه، موضوعاتی همچون **\*\*خلاقیت و نوآوری، شناسایی فرصت‌های کسب‌وکار، ویژگی‌های کارآفرینان، تصمیم‌گیری، پذیرش ریسک، حل مسئله و مهارت‌های موردنیاز کارآفرینان در فضای متغیر اقتصادی\*\*** مورد بررسی قرار گرفت.

همچنین اهمیت مهارت‌هایی نظیر **\*\*یادگیری و سازگاری با تغییر، فروش و مذاکره، بازاریابی دیجیتال، مدیریت مالی و برندسازی شخصی\*\*** تشریح شد و مفهوم «ترند» و چگونگی تبدیل تغییرات رفتار مشتری، فناوری و بازار به فرصت‌های جدید کسب‌وکار مورد توجه قرار گرفت.



پلاست شو

نمایشگاه صنعت پلیمر، پلاستیک، لاستیک، بازیافت و فناوری نوین

last show

Exhibition of Polymer, Plastics, Rubber, Recycling & Advanced Technologies

مرکز نمایشگاه و همایش بین المللی ایران مال

۱۴ الی ۱۷ مهرماه ۱۴۰۵ | 6 - 9 October 2026

Iran Mall International Exhibition & Conference Center

ساعت بازدید: ۱۰ الی ۱۸

Visiting Hours: 10 A.m - 6 P.m



محصولات



فناوری نوین



بازیافت

برگزار کننده:

سپانتاس گیش SEPANTAS KISH CONSULTING

website: www.plastshow.ir  
Tel/Fax: (+98-21) 8854 6619 - 21  
Instagram: plastshow.ir

IRANPTV



ویکی پلاست WIKIPLAST



خبرگزاری پنا



پسپار

معاونت امور صنایع و بازرگانی

در جلسه کارشناسی شورای گفت و گوی دولت و بخش خصوصی

## بررسی مهم‌ترین موانع پیش‌روی صادرکنندگان استان سمنان



چالش‌های مالیاتی صادرکنندگان نیز در ادامه جلسه مورد بررسی قرار گرفت. حاضران با اشاره به برخی ابهامات و مشکلات اجرایی، بر ضرورت شفاف‌سازی مقررات، کاهش فرآیندهای پیچیده، تسهیل امور اداری و افزایش هماهنگی میان دستگاه‌های مرتبط تأکید کردند تا صادرکنندگان بتوانند با پیش‌بینی‌پذیری بیشتری نسبت به برنامه‌ریزی تولید و حضور در بازارهای خارجی اقدام کنند.



در همین راستا، محمد همتیان، دبیر اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی استان سمنان، با تأکید بر اهمیت استمرار صادرات اظهار کرد: حفظ بازارهای صادراتی، صرفاً به معنای افزایش حجم صادرات نیست، بلکه تداوم حضور بنگاه‌های ایرانی در بازارهای هدف و حفظ ارتباط تجاری با مشتریان خارجی نیز اهمیت ویژه‌ای دارد و هرگونه وقفه در فرآیند صادرات می‌تواند

جلسه کارشناسی شورای گفت و گوی دولت و بخش خصوصی استان سمنان با محوریت بررسی مهم‌ترین موانع و چالش‌های پیش‌روی صادرکنندگان و ارائه راهکارهای اجرایی، در محل اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی استان سمنان برگزار شد.

در این نشست، موضوعات مرتبط با توسعه و استمرار صادرات، رفع موانع موجود در مسیر فعالیت صادرکنندگان، حفظ بازارهای هدف و ضرورت ایجاد هماهنگی بیشتر میان دستگاه‌های اجرایی و بخش خصوصی مورد بررسی و تبادل نظر قرار گرفت.

یکی از محورهای اصلی این جلسه، بررسی چالش‌های ناشی از قوانین و مقررات مرتبط با \*\*حد آستانه صادرات و مهلت رفع تعهدات ارزی صادرکنندگان\*\* بود. حاضران ضمن بررسی آثار این مقررات بر روند فعالیت بنگاه‌های صادراتی، بر ضرورت توجه به شرایط واقعی تجارت، نوع کالا، بازار مقصد و اقتضائات حاکم بر تجارت بین‌المللی تأکید کردند.

همچنین محدودیت‌های مربوط به سقف صادراتی و تأثیر آن بر توان صادرکنندگان برای حفظ و توسعه بازارهای هدف، از دیگر موضوعات مطرح شده در این نشست بود. در این بخش، بر ضرورت اتخاذ رویکردی منعطف و متناسب با شرایط فعالیت بنگاه‌ها تأکید شد؛ به گونه‌ای که ضمن رعایت الزامات قانونی، از ایجاد وقفه در فرآیند صادرات و از دست رفتن بازارهایی که دستیابی به آن‌ها برای صادرکنندگان هزینه و زمان قابل توجهی داشته است، جلوگیری شود.



در جلسه کارشناسی شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی

## بررسی مهم‌ترین موانع پیش‌روی صادرکنندگان استان سمنان



بسیاری از مشکلات حوزه صادرات با افزایش هماهنگی میان دستگاه‌های مرتبط و ایجاد رویه‌های روشن و یکسان قابل مدیریت است و باید تلاش شود تصمیمات و مقررات به گونه‌ای اجرا شوند که کمترین اختلال را در روند فعالیت بنگاه‌های صادراتی ایجاد کنند.

در ادامه این نشست، پیشنهادها و راهکارهای بخش خصوصی برای تسهیل فرآیند صادرات، استمرار حضور بنگاه‌های استان در بازارهای هدف، رفع موانع قانونی و اجرایی و کاهش هزینه‌های



زمینه را برای جایگزینی صادرکنندگان ایرانی با رقبای سایر کشورها فراهم کند.

وی افزود: بخش خصوصی برای فعالیت صادراتی نیازمند ثبات، پیش‌بینی‌پذیری و مقررات شفاف است. صادرکننده زمانی می‌تواند برای بازارهای خارجی برنامه‌ریزی کند که از قواعد و الزامات مربوط به صادرات، رفع تعهدات ارزی و مسائل مالیاتی اطلاع کافی داشته باشد و این مقررات با شرایط واقعی تجارت نیز تناسب داشته باشد.



مبادلات تجاری مورد بررسی قرار گرفت و مقرر شد موضوعات مطرح‌شده پس از جمع‌بندی کارشناسی، در چارچوب شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی استان پیگیری و برای اتخاذ تصمیمات لازم به مراجع ذی‌ربط منعکس شود.

این نشست در راستای تقویت تعامل میان بخش خصوصی و دستگاه‌های اجرایی و با هدف فراهم کردن زمینه برای رفع موانع تولید و تجارت، افزایش پیش‌بینی‌پذیری فضای کسب‌وکار و حمایت از استمرار فعالیت‌های صادراتی بنگاه‌های استان سمنان برگزار شد.



همتیان با اشاره به نقش شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی در انعکاس مسائل فعالان اقتصادی تصریح کرد: هدف از طرح این موضوعات، صرفاً بیان مشکلات نیست، بلکه باید با نگاه کارشناسی، راهکارهایی عملیاتی و قابل اجرا برای رفع موانع ارائه شود. اتاق بازرگانی آماده است دیدگاه‌ها و پیشنهادهای صادرکنندگان استان را جمع‌بندی کرده و برای بررسی و پیگیری در سطوح استانی و ملی ارائه کند.

دبیر اتاق بازرگانی سمنان همچنین بر ضرورت تقویت تعامل میان دستگاه‌های اجرایی و فعالان اقتصادی تأکید کرد و گفت:

بخش نخست

## تحلیل تطبیقی عملکرد بخش معدن استان سمنان

سمنان با بسیاری از استان‌ها صرفاً در اندازه شبکه معدنی نیست، بلکه در میزان ارزش اقتصادی متناظر با هر واحد معدنی و نیروی انسانی نیز قابل مشاهده است.

شایان ذکر است این نتیجه، نبایستی به عنوان اثبات مستقیم «بهره‌وری پایین» یا «عدم کارایی فنی» معادن استان تفسیر شود. شاخص‌های ارزش افزوده به ازای معدن و شاغل، علاوه بر عملکرد بنگاه، تحت تأثیر عواملی دیگری چون ترکیب مواد معدنی، عیار و کیفیت ذخایر، مقیاس عملیات، شدت سرمایه، فناوری، ساختار هزینه و قیمت محصولات نیز قرار دارند. از این رو، داده‌های موجود وجود یک شکاف عملکردی و ارزش آفرینی را نشان می‌دهند، اما تعیین سهم علی عوامل مختلف در ایجاد این شکاف، نیازمند داده‌های بنگاه محور و اطلاعات تکمیلی درباره سرمایه، ماشین آلات، ظرفیت تولید، ترکیب محصول، قیمت‌های ثابت و هزینه نهاده‌ها است.

همچنین، شواهد موجود از تقلیل مسئله به ضعف فرآوری نیز پشتیبانی نمی‌کند. نسبت ارزش افزوده به ارزش تولید در استان سمنان در سال ۱۴۰۲ حدود ۰/۸۹ بوده و از میانگین استان‌ها بالاتر قرار داشته است. این شاخص بیانگر سهم بالای ارزش افزوده در ارزش تولید ثبت شده است، اما به تنهایی معیاری برای اندازه‌گیری عمق فرآوری، تکمیل زنجیره ارزش یا سهم صنایع پایین دسنتی استان نیست. بنابراین، استنباط محتاطانه تر و علمی تر آن است که مسئله اصلی شناسایی شده، پایین تر بودن مقیاس ارزش اقتصادی ایجاد شده در سطح متوسط معدن و شاغل، در قیاس با گستردگی شبکه معدنی استان است.

تحلیل روند زمانی نیز نشان می‌دهد که تعداد معادن فعال استان از ۲۷۹ واحد در سال ۱۳۹۰ به ۴۲۳ واحد در سال ۱۴۰۲ و تولید فیزیکی از حدود ۹/۴۵ به ۱۴/۸۹ میلیون تن افزایش یافته است. در همین دوره، متغیرهای پولی، به ویژه از سال ۱۳۹۹ به بعد، افزایش شدیدی داشته‌اند. با توجه به اینکه ارزش‌های پولی در داده‌های پایه به قیمت جاری ثبت شده‌اند، این افزایش به عنوان رشد واقعی بهره‌وری

این مطالعه با هدف ارزیابی تطبیقی عملکرد اقتصادی بخش معدن استان سمنان و سنجش میزان انطباق مقیاس فعالیت معدنی با ارزش آفرینی اقتصادی آن در مقایسه با سایر استان‌های کشور انجام شده است. تحلیل این گزارش با استفاده از داده‌های سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲ در حوزه‌های تعداد معادن فعال، تولید فیزیکی، ارزش



محمد رضا قادری

تولید، ارزش افزوده، اشتغال و جبران خدمات و با بهره‌گیری از شاخص‌های واحدی و سرانه‌ای شامل ارزش افزوده به ازای هر معدن و هر شاغل انجام شده است. رویکرد مطالعه نیز بر تفکیک مقیاس فعالیت، عملکرد اقتصادی و ارزش آفرینی واحدی استوار است و از اتکای تحلیلی به شاخص‌های صرفاً کمی نظیر تعداد معادن فعال اجتناب می‌نماید.

یافته محوری و کلی مطالعه، وجود واگرایی میان جایگاه استان سمنان در مقیاس فعالیت معدنی و جایگاه آن در شاخص‌های ارزش آفرینی واحدی و سرانه‌ای است. در سال ۱۴۰۲، استان سمنان با ۴۲۳ معدن فعال رتبه سوم کشور را از نظر تعداد معادن به خود اختصاص داده است؛ در مقابل، رتبه استان از نظر ارزش تولید ۱۳، ارزش افزوده ۱۱ و ارزش افزوده به ازای هر شاغل ۳۰ بوده است. این تفاوت رتبه‌ای در گام نخست و نگاهی کلی نشان دهنده این مهم است که گستردگی ساختار معدنی استان، به صورت متناسب در سطح ارزش اقتصادی ایجاد شده در هر واحد و هر شاغل منعکس نشده است.

در سال ۱۴۰۲، بخش معدن استان سمنان حدود ۱۴/۹ میلیون تن تولید فیزیکی، ۲۷/۴۳ تریلیون ریال ارزش تولید و ۲۴/۴۴ تریلیون ریال ارزش افزوده ایجاد کرده و ۵۱۸۲ نفر رانیز به‌طور مستقیم به کار گرفته است. در سطح واحدی، ارزش افزوده به ازای هر معدن حدود ۵۷/۸ میلیارد ریال و ارزش افزوده به ازای هر شاغل حدود ۴/۷۲ میلیارد ریال بوده است. در مقایسه با میانگین استان‌های کشور، این دو شاخص به ترتیب حدود ۵۱ درصد و ۵۷ درصد مقدار میانه بوده‌اند. بنابراین، تفاوت اصلی



## تحلیل تطبیقی عملکرد بخش معدن استان سمنان



جایگاه معدن استان در اقتصاد منطقه‌ای، بیش از گسترش کمی شبکه معادن، به افزایش ارزش آفرینی واحدها، ارتقای عملکرد نیروی انسانی، دستیابی به مقیاس اقتصادی، نوسازی فناوری و تقویت پیوندهای تولیدی و خدماتی پیرامون فعالیت‌های معدنی وابسته است.

براین اساس می‌توان بیان داشت که هدف و جهت‌گیری سیاست معدنی استان سمنان نباید «معدن بیشتر» به‌عنوان یک هدف مستقل باشد؛ بلکه «عملکرد اقتصادی بهتر از ظرفیت معدنی موجود» باید مدنظر باشد. این تغییر رویکرد، مستلزم گذار از ارزیابی مبتنی بر تعداد واحدها به نظام پایش چندبعدی شامل مقیاس فعالیت، ارزش افزوده، ارزش آفرینی به‌ازای معدن و شاغل، کیفیت اشتغال و پیوندهای زنجیره تأمین و ارزش است.

یارش‌د تحقیقی ارزش آفرینی تفسیر نشده است. تفکیک اثر تورم، تغییر قیمت مواد معدنی، نرخ ارز و تغییر ترکیب محصول، مستلزم استفاده از شاخص‌های قیمت و داده‌های مقدار و قیمت در سطح مناسب است.

با توجه به مطالب پیش گفته، برآیند شواهد تطبیقی‌رामी توان در قالب یک گزاره مشخص بیان نمود: «استان سمنان از نظر گستره ساختار معدنی در جایگاه بالایی قرار دارد، اما جایگاه آن در ارزش آفرینی مطلق و به‌ویژه ارزش آفرینی در سطح واحد و نیروی انسانی، به تناسب این مقیاس نیست. بنابراین، افزایش تعداد معادن فعال به‌عنوان یک هدف مستقل، لزوماً به بهبود متناسب عملکرد اقتصادی بخش منجر نمی‌شود.»

از منظر سیاست‌گذاری، این یافته دلالت بر ضرورت تغییر کانون سیاست معدن از توسعه کمی واحدها به ارتقای

# مدافعان اقتصاد



انتظار دارند زخم کسانی  
که در خط مقدم اقتصاد ملی  
ایستاده‌اند،



در نظام تصمیم‌گیری کشور دیده  
شود

